



فاطمه موسوی ویاپه پژوهشگر اجتماعی: **در مجموع حدود ۲۵ میلیون نفر زن متاهل داریم که از نظر مالی به همسر خود وابسته‌اند. نمایندگان مجلس برای ۲۵ میلیون زن متاهل غیرشاغل خانواده‌ار که پنج‌درصد آنها هم تحت خشونت خانگی قرار دارند، طرحی ندارند و نگران آنها نمی‌شوند، اما نگران چند هزار مردی هستند که حاضر نیستند مهریه زن خود را بپردازند و ممکن است بابت آن زندانی شوند؟**

پهشون برگردونین. »

علاوه بر کارشناسان، کاربران زیادی در شبکه اجتماعی

«ایکس» به مصوبه دیروز مجلس، واکنش نشان دادند که پر بازخوردترین آنها، واکنش برخی از وکلای دادگستری از جمله محسن برهانی بود که در صفحه شخصی خودش نوشت: «آیا اقدام دیگری مانده است که این مجلس علیه زنان و حقوق و آزادی‌های ایشان انجام دهد؟»

امیرعلی صفا، یکی دیگر از وکلای دادگستری هم در این باره نوشت: «کسی که می‌گه مهریه دلیل کاهش ازدواجه، نگاهش به ازدواج دارای مشکل منبایی است. فکر می‌کنه ازدواج ایقاع است و با اراده مرد اتفاق میفته. در صورتی که ازدواج عقد است. دو اراده لازم است. می‌خواهید مشکل رو حل کنید؟ باید توازن اراده ایجاد کنید، نه در اراده‌ها به سود یک‌طرف دخالت کنید.»

کاربری به‌نام رونیا هم نوشته است: «امروز صبح مهریه ماکسیمم ۱۴ تا سکه تصویب شده بود تو مجلس، قوانین فقط یک آوانس به‌درنخور به خانوما داده بود که اونم دیگه نیست. باین حساب ازدواج یعنی افتادن تمام اختیارات زندگیت دست یکی دیگه؛ مثل ادامه تحصیل، کار کردن، انتخاب محل زندگی، حتی عمل جراحی وقتی داری میمیری. واقعاً ترسناکه.» کاربر دیگری نوشته است: «با این قانون جدید مهریه که به‌رسم جمهوری اسلامی باز هم به‌نفع اقابونه لطفاً همتون حق طلاق رو بگیرید، اونم تو محضر و به‌صورت قطعی.» یک کاربر دیگر هم این طرح را از بین‌رفتن سپر دفاعی زنان در برابر نابرابری‌های ساختاری می‌داند. او نوشته بود: «کاهش سقف مهریه از ۱۱۰ به ۱۴ سکه یعنی بریدن تنها سپر دفاعی زن در برابر نابرابری‌های ساختاری. حق طلاق، حق خروج و حق تصمیم‌گیری هنوز دست مرد؛ پس سهم زن از حق مصوبه فقط بی‌پناهی‌های بیشتر بود.» نگاهی که در میان کاربران دیگر هم دیده می‌شود؛ مثل کاربری که اعتقاد دارد: «این قانون ۱۴ سکه مهریه، مشکلی را از مردان حل نمی‌کنه، فقط زندان نداره. وگرنه اگه در عقدنامه نوشته باشه ۱۰۰ سکه، هروقت مرد تو حسابش پول باشه، ازش ۱۰ میلیارد تومان بر میدارن یا خونه و ماشینش را توقیف می‌کنن.» برخی دیگر از فعالان این شبکه اجتماعی، طرح جدید مجلس را در تضاد با قوانین شرع می‌دانند. یکی از کاربران نوشته است: «حق طلاق و حق ضمانت بچه برای زن در شرع نیومده، بعد سقف مهریه کجای شرع اومده؟ مشکل اقتصادی داریم؟ بدوی‌ترین حقوق زنان رو بهشون برگردونین.»

❖ فشار مضاعف بر زنان خانواده

فاطمه موسوی ویاپه، پژوهشگر اجتماعی در گفت‌گوبا «هم‌میهن» معتقد است که طرح فعلی مجلس درباره مهریه، تنها ابزار چانه‌زنی زنان در نهاد خانواده را کم‌اثر می‌کند و فشار مضاعفی بر زنان خانواده‌ار و غیرشاغل وارد می‌کند. او معتقد است که باید تکلیف قانون‌گذار در زمینه قوانین خانواده روشن باشد؛ یا همه آنچه در شرع آمده را لحاظ کند یا به‌صورت کامل آن را به‌صورت عرفی و براساس شراکت زن و مرد در ازدواج، تصویب کند: «اگر قرار است قوانین خانواده مبتنی بر شرع باشد، همه بخش‌های آن باید طبق فقه اسلام باشد؛ یعنی اگر ریاست مرد در خانواده، خواست تمکین، چندنزی و حق ولایت او را پذیرفته‌اید، پس بنا بر همان شرع، زن وظیفه‌ای جز تمکین خاص ندارد، نباید جهیزیه و سیسمونی تهیه کند و کار خانه و نگهداری از فرزندان را انجام دهد. باید نحوه پرداخت مهریه به زن را براساس شرع بپذیرید. اگر می‌خواهند قانون خانواده را به‌صورت عرفی و براساس اشتراک زن و مرد اعلان کنند، پس حق طلاق نباید نادیده گرفته شود و زن باید در اموال خانواده هم سهیم باشد.» او اعتقاد دارد با تصویب این طرح، قدرت مهریه به‌عنوان ابزار چانه‌زنی برای زنان کاهش پیدا می‌کند؛ چون در شرایط فعلی هم بسیاری از مردان برای اینکه مهریه زن را نپردازند، اموال خود را به‌نام پدرموادر و سایر اعضای خانواده خود می‌زنند و در این شرایط اگر زن، در خواست مهریه خود را داشته باشد، باید ثابت کند که آن اموال متعلق به مرد است. در صورتی که اگر یک مرد، ورشکسته یا بدهکار باشد، طلبکار می‌تواند اموال او را ضبط کند: «چرا وقتی این طلبکار، زن است، قانون تغییر پیدا می‌کند؟ چون روابط بین زن و شوهر، مبتنی بر صلحت مرد تعریف شده است. مهریه مثل هر دین دیگری، حتی در صورت فوت زن، باید ادا شود. ما مهریه را در نظام خانواده و نظام مالی، از جایگاه خود خارج کرده‌ایم. اگر مهریه تنها ابزار چانه‌زنی زنان برای متعادل کردن قدرت خود در قانون خانواده بود، بسیاری از مردان نیز نگران مشکلاتی مثل حبس نبودن. اگر زنان حق طلاق داشتند، مجبور نبودند برای گرفتن حق طلاق به مهریه متوسل شوند. مشکل ما بی‌قدرتی و بی‌حقوقی زنان در رابطه خانوادگی است. تمام طرح فعلی مجلس درباره مهریه، ایرادات زیادی دارد؛ اگر با این طرح، امکان و قدرت مهریه را از آنها بگیریم، چه جایگزینی برای آن در نظر گرفته می‌شود؟ در صورت تداوم این شرایط، نسبت ازدواج به‌شدت در بلندمدت کاهش پیدا می‌کند.»

موسوی ویاپه اعتقاد دارد که ساختارهای اقتصادی در کشور به‌نحوی است که در بسیاری از موارد، زنان تنها با ازدواج می‌توانند تامین مالی کاملی داشته باشند: «گاهی درآمد زن آنقدر پایین است که استقلال مالی او تامین نمی‌شود و از طرف دیگر، خود ازدواج هم یک رابطه نابرابر است.» از نگاه او، قانون خانواده در ایران مبتنی بر فقه دهقانی است؛ نوعی از دستورالعمل‌ها و شرایطی که مناسب خانواده سنتی، متعلق به جامعه سنتی پیش از انقلاب صنعتی است: «این قانون با روابط یک خانواده هسته‌ای در جامعه مدرن ایران معنا ندارد. در جامعه کشاورزی، مهریه زنان زمین و حق آب و مسکن بود

و هرسال برای او عایدی داشته است، اما در حال حاضر مهریه، تنها عدد روی کاغذ و کاملاً اعتباری و غیرقابل وصول است و به ابزار چانه‌زنی تبدیل شده است. در این شرایط همه قانون خانواده باید تغییر پیدا کند؛ چون اساس آن بر «بیع» است و زن، حق بر زندگی و بدن خود را در ازای تامین مالی، به مرد می‌فروشد. این منطق در حال حاضر برای جامعه فعلی ایرانی دیگر پاسخگو نیست. مهریه‌ای که قرار است از سوی مرد پرداخت شود، اعتباری است و زمان پرداخت آن مشخص نیست، اما با منطق قانون فعلی، وظیفه زن در خانواده به‌صورت روزمره تعریف می‌شود؛ هرروز باید تمکین کند، کار خانه انجام دهد و از فرزندان مراقبت کند. این نابرابری در این بخش هم خودش را نشان می‌دهد.»

این پژوهشگر اجتماعی توضیح می‌دهد، یک قانون خانواده صحیح براساس شراکت زن و مرد در نظر گرفته می‌شود؛ در این صورت حتی اگر زوجین از یکدیگر جدا شوند، سهم هرکدام از آنها از اموال به‌شکلی منصفانه تقسیم می‌شود: «مشکل ما این است که قانون خانواده فعلی، صفر و یک است؛ یعنی اگر مردی بخواهد رفتاری عاقلانه و منصفانه داشته باشد و طبق شرع اسلام مهریه همسر خود را به‌صورت کامل بپردازد، با مشکلات مالی متعددی روبه‌رو می‌شود، البته تحقیقات نشان می‌دهد که کمتر از ۳۰ درصد مردان مهریه همسر خود را به‌صورت کامل می‌پردازند. ازسوی دیگر، زنی که طلاق می‌گیرد هم با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود.» موسوی می‌گوید، برخی از گروه‌های زنان به‌واسطه طرح فعلی مجلس درباره مهریه، آسیب بیشتری می‌بینند: «عمده زنانی که آسیب بیشتری می‌بینند، فاقد شغل اند. در حال حاضر فقط حدود ۱۵ درصد زنان در ایران شاغل اند که بخشی از این آمار را زنان مجرد شاغل تشکیل می‌دهند. ما حدود ۲۸ میلیون زن متاهل در ایران داریم که کمتر از سه‌میلیون نفر آنها شاغل اند؛ یعنی در مجموع حدود ۲۵ میلیون نفر زن متاهل داریم که از نظر مالی به همسر خود وابسته‌اند. نمایندگان مجلس برای ۲۵ میلیون زن متاهل غیرشاغل خانه‌دار که پنج‌درصد آنها هم تحت خشونت خانگی قرار دارند، طرحی ندارند و نگران آنها نمی‌شوند، اما نگران چند هزار مردی هستند که حاضر نیستند مهریه زن خود را بپردازند و ممکن است بابت آن زندانی شوند؟ چرا فقط مجلس برای سایر محکومان مالی طر حسی ندارد؟ چرا فقط از کیسه زنان خرج می‌کنند؟ محکومان اختلافات ارث و پرداخت دیه را پیگیری نمی‌کنند؟ چرا هیچ‌کس به فکر تغییر قانون ارث نیست؟»

❖ شرایط نابرابر به‌نفع مردان

سارا باقری، وکیل خانواده هم در توضیح قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به «هم‌میهن» می‌گوید که مهریه مانند سایر دیون طبق قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، باید به این صورت باشد که اگر مدیون برای پرداخت مالی که بابت آن محکوم شده اقدام نکند، در صورتی‌که اموالی از او وجود نداشته باشد، مدیون جلب می‌شود و تا زمانی که نسبت به پرداخت دین خودش نتواند اقدام کند، در زندان می‌ماند تا حکم اعصار برای او صادر شود. سقف ضمانت اجرایی مهریه که پیش‌تر ۱۱۰ سکه بود، حالا به ۱۴ سکه کاهش پیدا کرده است و باقری درباره این کاهش می‌گوید: «آنها افزایش تعداد زندانیان، تضعیف بنیان خانواده و مواردی ازاین‌قبیل را بهانه‌های این تغییر عنوان کردند. ما موافق زندان‌رفتن کسی برای مهریه نیستیم اما این زمانی مورد تایید ماست که منجر به تبعیض به‌نفع آقایان و به‌ضرر زنان نشود. تبعیض ناروایی در قانون جدید مهریه، آشکارا به‌نفع آقایان است.» به گفته او قانون‌گذار در کنار دیگر محکومیت‌های مالی، مشخصاً وارد محبت مهریه می‌شود که ماهیت حقوقی آن با سایر دیون، یکی نیست: «اما متأسفانه اینجا ماهیت حقوقی آن با دیگر دیون، یکسان تلقی شده و در نهایت وارد حقوق خصوصی و روابط شخصی افراد شدند. به این بحث ایراداتی وارد است و خارج از حدود اختیارات قانون‌گذاری است.»

براساس ماده دو قانون اجرای محکومیت‌های مالی، کاهش سقف مهریه به میزان ۱۴ سکه به این معناست که تا میزان ۱۴ سکه یا معادل آن، نسبت به شناسایی و توقیف اموال مرد اقدام می‌شود و اگر اموالی وجود نداشته باشد، مدیون با محکوم‌علیه جلب می‌شود و تا زمان امکان پرداخت یا قبول اعصار در زندان باقی می‌ماند: «مازاد بر این میزان، زن باید ملائت مالی مرد را اثبات کند و بار اثبات بر دوش روجه است که باید ثابت کند، زوج توانایی پرداخت مازاد بر ۱۴ سکه را دارد.» تجربه او در حوزه وکالت خانواده نشان می‌دهد که در رویه قضایی و در عمل، چنین مواردی باعث‌شده که راه‌های فرار از دین و انتقال اموال از طرف مردان با معاملات صوری که انجام می‌شود بیشتر شود: «آنها دادخواست اعصار می‌دهند و حتی پس از آنکه این دادخواست مورد قبول قرار گرفت، دادخواست تعدیل تخصیص به دادگاه می‌دهند. ما شاهد بودیم که زنان برای وصول مهریه، به مشکلات زیادی بر خود می‌کنند. آنها باید مراحل متعدد قضایی و سختی‌های زیادی را متحمل شوند و این در حالی است که ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که انواع نابرابری‌های شغلی، تحصیلی و اجتماعی مانند بحث‌های مربوط به خانواده، خروج از کشور، حضانت فرزندان و حق طلاق برای زنان در آن وجود دارد و همین مهریه که سعی در کاهش آن دارند و قانون جدید به رابطه این تصویب می‌شود، برای زنان ابزار و اهرمی برای گرفتن حق طلاق، حضانت و خروج از کشور است.» او بر این باور است که این حق با شرایطی که برای آن

تعیین‌شده در شرایط نابرابر خودش را نشان می‌دهد: «این مسئله نه‌تنها به‌نفع منافع و حفظ بنیان و کیان خانواده نیست، بلکه یک اقدام تبعیض‌آمیز است.»

باقری در توضیح بیشتر این تبعیض می‌گوید: «ما می‌توانیم به تجربه‌های قدیم نسبت به همان ۱۱۰ سکه که تصویب شده بود، نگاه کنیم و ببینیم آیا در این سال‌ها پرونده‌های مهریه کمتر شده است؟» براساس قانون برنامه ششم توسعه از سال ۱۳۹۶ تا پایان سال ۱۴۰۲، زنان برای مطالبه و وصول مهریه نمی‌توانستند خودشان از طریق دادگاه اقدام کنند و دادخواست تامین خواسته و مهریه بدهند: «آنها مجبور بودند برای انجام این مراحل ابتدا از طریق اجرای ثبت اقدام کنند و پس از استعلام اموال زوج، می‌توانستند از اداره ثبت، نامه دریافت و سپس برای مطالبه مهریه از طریق دادگاه اقدام کنند. این روند برای مردان فاصله‌زمانی و فرصتی ایجاد می‌کرد که می‌توانستند اموال‌شان را منتقل کنند؛ به‌همین دلیل دسترسی به اموال بسیار سخت‌تر انجام می‌شد.» او در ادامه به بالا رفتن سن طلاق در میان زنان اشاره می‌کند و می‌گوید: «در حال حاضر میانگین سنی طلاق در زنان به میانسالی رسیده و این نشان می‌دهد: آنان زنان خانه‌داری بودند که سال‌ها تلاش کردند برای حفظ آبرو، شرم خانوادگی و به‌خاطر فرزندان، سکوت پیشه کنند و وارد پروسه‌های قضایی نشوند.» او به‌عنوان وکیل در سال‌های اخیر، زنانی را دیده که نسبت به حقوق‌شان آگاه‌تر شده‌اند: «همسران‌شان به‌دلیل زحمات که آنها در این سال‌ها در زمینه خانه‌داری و بزرگ کردن فرزندان‌شان کشیدند، هیچ حق و برحقشان قائل نیستند و مجبورند برای وصول مهریه، اقدامات قانونی انجام دهند و این قانون، کار را برای آنها بسیار سخت‌تر خواهد کرد.» به گفته او این شرایط در وضعیتی که اموالی به‌نام مرد نباشد یا آنها را منتقل کرده باشد، سخت‌تر هم می‌شود به‌ویژه برای زنانی که میانگین سنی بیشتری دارند: «حتی برای زنان جوان هم سخت خواهد بود. زنانی که استقلال مالی و توانایی اقتصادی ندارند، آسیب بیشتری می‌بینند. من بسیاری از زنان را می‌بینم که نمی‌خواهند به زندگی ادامه دهند و چون هیچ اموالی به‌نام مرد نیست، آنها مجبورند به زندگی جدا از هم تن دهند. این شرایط باعث می‌شود در بحث خروج از کشور هم زنان برای تمديد پاسپورت به مشکلات جدی برخورد کنند، همچنین در زمینه حضانت فرزندان‌شان. مرد درباره حقوق مالی زن که مهریه است، تعیین تکلیف نمی‌کند و می‌گوید زن باید مهریه را ببخشد که بتواند طلاق بگیرد.» او با انتقاد از نبود سازوکارهای لازم برای اینکه زن بتواند به‌طور مستقیم رای گرفتن عصر و خرج و طلاق اقدام کند، انتقاد می‌کند و می‌گوید: «در نتیجه همه این موارد ما شاهد طلاق عاطفی هستیم که جدا از هم زندگی می‌کنند. آنها نه می‌توانند مهریه‌شان را وصول کنند، نه در خواست طلاق دهند و نه در زمینه حضانت فرزندان‌شان اقدامی انجام دهند. ازسوی دیگر در تمام سال‌های زندگی مشترک، مالی به‌نام آنها منتقل نشده که بتوانند از طریق آن امرار معاش کنند و از نظر اقتصادی، قوی‌تر باشند.»

باقری معتقد است با وجود قانون جدید، مهریه کارایی و کارآمدی خودش را از دست‌داده و زنان باید نسبت به شروط ضمن عقد ازدواج، آگاهی بیشتری داشته باشند: «آنها باید نسبت به حق طلاق، خروج از کشور، حضانت، تصنیف اموال که در حقیقت تقسیم اموال مشترک بعد از ازدواج است، مُصر باشند و نسبت به آنها آگاهی داشته باشند.» او بر این باور است، به همان میزان که فرهنگ مراجعه به روانشناس قبل از ازدواج، در جامعه رواج پیدا کرده است، فرهنگ مراجعه به وکیل متخصص در این زمینه هم باید رواج پیدا کند تا افراد پیش از ازدواج بدانند چه حقوق و تکالیفی متوجه آنهاست: «این نکته باید در نظر گرفته شود که صرف امضای شروطی که داخل سند ازدواج نوشته شده، ضمانت اجرا ندارد. آنها برای مطالبه حقوق‌شان در دادگاه باید براساس اسناد جداگانه رسمی که در دفتر اسناد رسمی انجام می‌شود، اقدامات قانونی را انجام دهند و براساس توافقات بین طرفین حقوق‌شان را مطالبه کنند.»

او از اعمال بر خودرهای سلبیقه‌ای از سوی سردفترداران گلایه می‌کند: «ما شاهد این هستیم که سردفتران بر خودرهای سلبیقه‌ای اعمال می‌کنند، با وجود اینکه ثبت موارد حقوقی و وکالتنامه‌ها جزو وظایف حرفه‌ای آنهاست. باین حال ما شاهدیم که بسیاری از آنها این کار را انجام نمی‌دهند یا از دادن اطلاعات کافی به زوجین خودداری می‌کنند یا فرم‌هایی را به زوجین می‌دهند و آنها به‌دلیل نداشتن آگاهی، سندهایی را امضا می‌کنند که بسیاری از حقوق به‌طور مشخص و دقیق که بار حقوقی کافی به‌نفع زنان داشته باشد، در آن درج نشده و همین مسئله در پروسه‌های قضایی اشکال ایجاد می‌کند.» باقری از تصویب قوانین جدید در حوزه محکومیت‌های مالی و مهریه انتقاد می‌کند: «کاش به‌جای تعیین میزان سقف مهریه و قوانین جدید در حوزه مهریه، آگاهی طرفین نسبت به مهارت‌های زندگی زن‌اشویی و تمرکز بر مهارت‌های فرزندپروری افزایش پیدا می‌کرد.» به گفته او داشتن یک رابطه مسالمت‌آمیز در خانواده‌ها نیازمند فرهنگ‌سازی است: «اما به‌جای آن، قوانین جدیدی تصویب می‌شود که زنان را در شرایط بلا تکلیفی و دشواری بیشتری برای ادامه زندگی مشترک قرار می‌دهد. ما در مقابل این قوانین، حقوقی که به‌صورت قانونی برای زنان متصور باشد و جنبه بازدارندگی داشته باشد، نداریم و ابزار چانه‌زنی که همان مهریه است هم روزبه‌روز محدودتر می‌شود. همه این موارد به شرایط نابرابر در جامعه به‌نفع مردان دامن می‌زند.»

نگاه حقوق‌دان

یک تسکین مقطعی برای موضوع مهریه



محمدهادی جعفرپور وکیل دادگستری

بالع بر دو دهه است که تنها دغدغه مسئولان قضایی و نمایندگان مجلس در حوزه حقوق خانواده، محدود به چگونگی اجرا و مطالبه مهریه است که تنها خروجی چنین نگاهی: انشاء پخشنامه و آیین‌نامه‌ها یا اصلاح مقرراتی بوده که به‌گواه پرونده‌های جاری دادگاه‌های خانواده، کارگشانی‌نبوده‌اند.

برآورد آمار پرونده‌های مطرح‌شده در محاکم خانواده، مبین این نکته مهم و قابل تأمل است که باید ونبایدهای انشاءشده در قانون مدنی، ذیل فصل حقوق خانواده، به‌جهت نبود انطباق با شرایط فعلی جامعه، فاقد کارایی مؤثر و کارگشاست. پیرو چنین امری و باتوجه به اصلحیه اخیر راجع به شیوه اعمال قانون اجرای محکومیت‌های مالی در بحث مهریه و کاهش تعداد سکه‌های مشمول ماده سه این قانون از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه، لازم است نگاهی ولو مختصر به فلسفه وجودی مهریه داشت. از مفاد ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی، می‌توان چنین استنباط کرد که تکلیف مرد به پرداخت مهریه، ناشی از قرارداد زوجین، که از آن به عقد نکاح می‌یاد می‌شود، نبوده؛ بلکه تکلیف و الزامی قانونی است. به‌همین سبب است که دکت‌رین حقوقی، مهریه را واجد دو موقعیت قراردادی و قانونی می‌دانند؛ به این مضمون که فلسفه وجودی و تکلیف زوج به دادن مهریه، ریشه در الزامات قانونی داشته، میزان مهریه و چگونگی پرداخت آن، تابع اراده و توافق زوجین در قالب قراردادی ضمن عقد نکاح است.

لذا حدود صلاحیت قانون‌گذار در بحث مهریه، محدود به تقنین انشایی چنین قاعده‌ای بوده، بنا بر اصل آزادی اراده در انعقاد قرارداده‌ا و عطف به فلسفه‌ی وجودی مهریه، مقنن فاقد چنین اختیاری است که چگونگی پرداخت یا میزان مهریه را تعریف یا تحدید کند، به‌رغم چنین امری دستگاه تقنینی و قضایی کشور باری دیگر بنا بر مؤلفه‌ای متغیر، یعنی قیمت سکه و البته به‌بهانه کاهش آمار جمعیت‌زندانان مهریه، در این حوزه دخالت کرده، سعی می‌کند با اعمال حاکمیتی به این چالش مکرر پایان دهد. خواست توقعی که مستند به آمار زندانیان مهریه و پرونده‌های قضایی، هیچ‌گاه محقق نشده و کماکان تنها دلخوشی واضعان و طراحان چنین ایده‌هایی، تسکین مقطعی درد حاصل از اجرای مهریه و دلخوش کردن مردانی است که با مطالبه مهریه توسط زنان خویش به‌لحاظ عدم تمکن مالی، راهی حبس و زندان شده‌اند و هیچ‌گاه برای این چرخه معیوب، راهکاری اساسی و راه‌حل موثری تبیین نشده است. همین تقیص، به انضمام عدم‌توجه به ضرورت شناسایی فلسفه‌ی وجودی مهریه و بومی‌سازی قوانین خانواده، سبب‌شده تا به‌موارات چنین تغییراتی، نبمی از جمعیت درگیر با چالش مهریه، مدعی تضییع حقوق قانونی خویش باشند.

ادامه سر مقاله

۱. **باید فلسفه حقوق را در جمهوری اسلامی ایران اصلاح کرد.** در ذهن برخی آقایان یک لباس دوخته شده و می‌خواهند به تن همه برازند و جفت و جور باشد. این شدنی نیست.

۲. **نماینده‌گان باید نماینده اکثریت مردم باشند و نه ۳ درصد آنان.** ردصلاحیت‌ها باید برداشته شود. چگونه ممکن است که اینها نماینده اکثریت باشند، ولی مصوبات آنها در تضییع و نادیده گرفتن حقوق زنان باشد.

۳. **جناب آقای ازهای خود بهتر می‌دانند که با حقوق ۷۰ تا ۷۰ میلیون برای قضات عالی‌رتبه خود نمی‌توان عدلیه مورد انتظارشان را داشت.** حقوق آنان را هم نمی‌توان چندان زیاد کرد؛ به همان دلیلی که سقف ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه تنزل یافت. دستگاه عدلیه هم با سقوط اقتصاد، آب می‌شود.

۴. **عدم پاسخگویی دستگاه قضایی به پرونده‌های مهم هم جای تأمل دارد.** پلیس یک خبر تقریبی درباره پرداخت سریع جرمه را گفّت، فوری پاسخ داده شد؛ ولی هنوز هم معلوم نیست ماجرا در باره چه بوده؟ فقط تکذیب شد. ولی انواع پرونده‌های دیگر است که خلاف بین قانون و شرع و اخلاق عمل می‌شود و متهم نه دسترسی دارد و صدایش شنیده می‌شود و نه پاسخی داده می‌شود. بدون پاسخگویی روشن و آشکار و سریع این نوع احکام بیشتر می‌شود و نه کمتر.